

نقد و نظر ۷

از خلسه‌های کویری تا جهان هزار تو

بررسی تطبیقی آثار محمود دولت‌آبادی و گارسیا مارکز

دکتر حسین خورشیدی



انتشارات سولار

از خلسه‌های کویری تا جهان هزارتو

از خلسه‌های کویری تا جهان هزارتُو

بررسی تطبیقی آثار محمود دولت‌آبادی و گابریل گارسیا مارکز

دکتر حسین خورشیدی

سرشناسه: خورشیدی، حسین، ۱۳۵۴.
عنوان و نام پدیدآور: از خلسه‌های کویری تا جهان هزارتو: بررسی تطبیقی آثار محمود دولت‌آبادی و
گابریل گارسیامارکز / حسین خورشیدی.
مشخصات نشر: تهران: نشر سولار، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۲۴۶ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م. فروست: نقد و نظر؛ ۷.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۹۸-۸۷-۹
یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۴۲] - ۲۴۶.
عنوان دیگر: بررسی تطبیقی آثار محمود دولت‌آبادی و گابریل گارسیامارکز.
موضوع: داستان‌نویسی -- مطالعات تطبیقی
Fiction -- Authorship -- Comparative studies
موضوع: دولت‌آبادی، محمود، ۱۳۱۹ - -- نقد و تفسیر
موضوع: Dolatabadi, Mahmud -- Criticism and interpretation: موضوع:
موضوع: گارسیا مارکز، گابریل، ۱۹۲۷ - ۲۰۱۴ م. -- نقد و تفسیر
رده بندی کنگره: PN۳۳۵۳
رده بندی دیویی: ۳/۸۰۸
شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۷۷۰۳۱



انتشارات سولار

از خلسه‌های کویری تا جهان هزارتو

بررسی تطبیقی آثار محمود دولت‌آبادی و گابریل گارسیا مارکز

دکتر حسین خورشیدی

شماره نشر: نقد و نظر: ۷

مدیر هنری: پژمان گلپور

مدیر اجرایی: فاطمه اقبالی

چاپ اول: ۱۴۰۲، شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۹۸-۸۷-۹

قیمت: ۱۶۰۰۰۰ تومان

نقل و چاپ مطالب منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

نشانی: ایرانشهر جنوبی، پلاک ۳۱، طبقه ۳، واحد ۱۱.

تلفن: ۰۹۱۲۷۲۰۳۷۵۶ - ۷۷۵۵۸۴۳۸

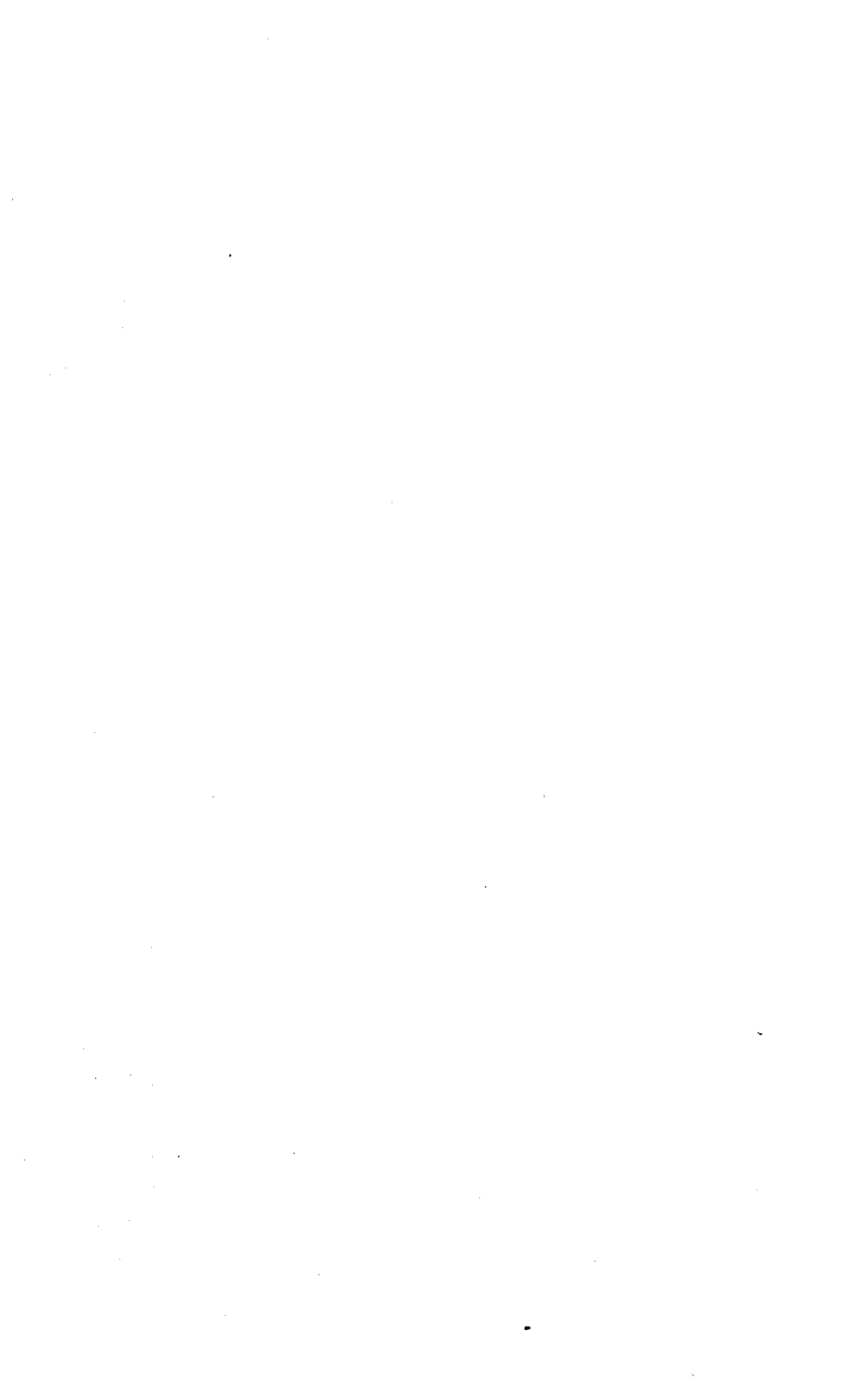
soolarpub@gmail.com

فهرست

- پیشگفتار..... ۹
- رمان و تاریخچه آن..... ۱۳
- تاریخچه رمان در اروپا..... ۱۸
 - تاریخچه رمان در آمریکای لاتین..... ۲۱
 - تاریخچه رمان در ایران..... ۲۳
 - مکتب فرانسوی..... ۳۳
 - مکتب آمریکای لاتین..... ۳۴
- ادبیات اقلیمی یا بوم گرایانه..... ۳۶
- مؤلفه‌های ادبیات اقلیمی..... ۳۹
 - تاریخچه ادبیات بومی..... ۴۲
- محمود دولت‌آبادی، آثار و سبک نویسندگی..... ۴۸
- آثار دولت‌آبادی..... ۵۰
 - سبک آثار..... ۵۲
- گابریل گارسیا مارکز، آثار و سبک نویسندگی..... ۵۷
- آثار..... ۵۸
 - سبک آثار..... ۵۹
- مقایسه مؤلفه‌های بوم گرایی..... ۶۴
- موقعیت جغرافیایی..... ۶۵
- در آثار دولت‌آبادی..... ۶۵
- در آثار مارکز..... ۷۳

۷۵	توصیف مکان‌ها
۷۵	در آثار دولت آبادی
۸۱	در آثار مارکز
۸۸	سیک زندگی
۸۹	در آثار دولت آبادی
۱۱۱	در آثار مارکز
۱۲۶	رسوم مذهبی و اعتقادات
۱۲۶	در آثار دولت آبادی
۱۳۲	در آثار مارکز
۱۳۷	آداب و رسوم
۱۳۷	در آثار دولت آبادی
۱۵۶	در آثار مارکز
۱۶۳	ارتباط با طبیعت
۱۶۳	در آثار دولت آبادی
۱۶۴	در آثار مارکز
۱۶۵	ارتباط با حیوانات
۱۶۵	در آثار دولت آبادی
۱۷۰	در آثار مارکز
۱۷۱	توصیف طبیعت
۱۷۱	در آثار دولت آبادی
۱۷۵	در آثار مارکز
۱۷۶	مشاغل
۱۷۶	در آثار دولت آبادی
۱۸۶	در آثار مارکز
۱۹۰	ابزار کار
۱۹۰	در آثار دولت آبادی
۱۹۴	در آثار مارکز

۱۹۷	خوراکی و نوشیدنی
۱۹۷	در آثار دولت آبادی
۱۹۹	در آثار مارکز
۲۰۰	مهاجرت
۲۰۰	در آثار دولت آبادی
۲۰۳	در آثار مارکز
۲۰۵	خشونت
۲۰۵	در آثار دولت آبادی
۲۱۲	در آثار مارکز
۲۱۴	سیاست
۲۱۴	در آثار دولت آبادی
۲۱۷	در آثار مارکز
۲۲۰	رفتار مردم با مسئولین
۲۲۲	محیط زیست
۲۲۲	در آثار دولت آبادی
۲۳۴	در آثار مارکز
۲۳۸	آمیختگی خیال و واقعیت
۲۳۸	در آثار دولت آبادی
۲۳۹	در آثار مارکز
۲۴۲	منابع



پیشگفتار

اثر ادبی آینه‌ای تمام‌نما است که شخصیت نویسنده، افکار و اندیشه‌ها و زاوایای آشکار و پنهان جامعه‌ی او را منعکس می‌سازد؛ بدین وسیله خواننده می‌تواند به جهان درونی نویسنده راه یابد. در واقع شناخت اثر ادبی تا حد زیادی برابر است با شناخت نویسنده و دیدگاه‌های فکر و شرایط اجتماعی او. رمان به عنوان یک نوع ادبی، تحولی تازه در ادبیات به وجود آورد و برای اولین بار خصوصیات عاطفی و تجزیه‌ها و تحلیل‌های درونی به‌طور آشکار از طریق این نوع ادبی وارد ادبیات شد. ادبیات از زمان آفرینش انسان همراه او بوده و انسان همواره از این ابزار برای بیان عواطف درون، اصلاح جامعه و یا لذت ادبی استفاده کرده است. ادبیات در حقیقت بخش جدایی‌ناپذیر موجودیت انسان است، زیرا بشر دارای عواطف، احساسات و خیال است، همچنین به دنبال زیبایی است و ادبیات برای برطرف کردن این نیازهاست. «ایرنا ریما مکاریک» در کتاب خویش با عنوان «دانشنامه‌های نظریه‌های ادبی معاصر» درباره‌ی ادبیات می‌نویسد: «اصطلاح literature که از واژه لاتینی literature گرفته شده، هم بر توانایی آفرینش آثار ادبی اشاره دارد و هم به‌طور عام‌تر، ناظر بر این موضوع است که این آثار به صورت گسترده خواننده می‌شوند این معنای دوم در کاربردهای محلی و بومی آن، تقویت شده است.» (مکاریک، ۱۳۸۳: ۱۷)

در ادبیات قدیم جهان عموماً شعر، مورد توجه ادیبان بوده است و آثار پر شکوه و عظیمی در این نوع ادبی خلق شده است. اما پس از آن، نوع ادبی داستان، قصه، رمان و داستان کوتاه بیشتر مورد توجه قرار گرفت. نوع ادبی داستان در جهان رواج بیشتری دارد این مسئله در ایران و جهان عرب نیز صدق می‌کند. در نیم قرن اخیر، داستان تحت تأثیر ادبیات اروپایی در ایران و جهان عرب قدرت گرفت. ورود اندیشه‌های مدرن به ایران عرب به‌طور جدی از چند دهه اخیر آغاز شد. نخبگان و روشنفکران ایرانی و عرب چنان دل‌بسته و مجذوب تحولات غرب بودند که تنها رؤیایشان تبدیل ایران و عرب به جامعه‌ای مدرن و دموکراتیک بود.

این اقدام در حالی صورت می‌گرفت که هیچ زیر بنای فکری و بنیادی در پی نداشت و مسئله‌ی عدم تطابق فرهنگی نادیده گرفته شده بود. به همین منظور، به تقلید و کپی‌برداری از نهادها و ارزش‌های غربی مشغول شدند و عقاید و باورها و نیروهای کهن جامعه‌ی خویش را از یاد بردند و می‌توان گفت که غالب آثار ادبی برجسته دهه‌های اخیر از نوع ادبی داستان بوده است.

ادبیات تطبیقی نوعی پژوهش بین رشته‌ای است که به مطالعه رابطه ادبیات ملت‌های مختلف با هم می‌پردازد و نشان‌دهنده نقاط شباهت و تفاوت فرهنگی ملت‌ها است. بومی‌گرایی و واکنش روشنفکرانی بود که می‌خواستند مخاطبان خود را به اصالت‌ها و ریشه‌هایشان توجه دهند، بنابراین کشورهای فراوانی که در معرض استعمار قرار داشتند، به این موضوع توجه کردند. در داستان‌های این جریان غالباً به نقد بیگانگان و دولت توجه شده است.

ادبیات تطبیقی همچنین، راهی برای شناخت دیگر ملت‌ها و برقرار کردن ارتباط فکری و فرهنگی با آن‌هاست. ادبیات تطبیقی شاخه‌ای از ادبیات است که ظاهراً ادبیات کشورهای مختلف جهان را مورد بررسی قرار می‌دهد یا به تعبیر دیگر، موضوع آن بحث «روابط و تأثیر ادبی» دو کشور است. در واقع ادبیات تطبیقی از زمانی شکل گرفت که ارتباط میان ملت‌ها گسترش یافت و رفت و آمدها فزونی گرفت.

محمود دولت‌آبادی یکی از نویسندگان معاصر ایران است که دارای سبک نویسندگی مختص به خود است. او با توجه به محیط دوران کودکی اش به ادبیات روستایی اهمیت بسیاری می‌دهد و رمان «جای خالی سلوچ»، او نیز از این نوع ادبیات بسیار بهره برده است.

از نمودهای دیگر آثار او می‌توانیم به شیوه بیان رئالیستی یا همان واقع‌گرایی اشاره کنیم. او با استفاده از این روش به بیان واقعیت‌های روزگار خود می‌پردازد که گاهی این واقعیت‌ها را در پرده‌ای از رمز قرار می‌دهد و از شیوه‌ی سمبلیسم استفاده می‌کند.

گابریل خوزه گارسیا مارکز رمان‌نویس، نویسنده، روزنامه‌نگار، ناشر و فعال سیاسی کلمبیایی بود. او بین مردم کشورهای آمریکای لاتین با نام گابو یا گابیتو برای تحبیب مشهور بود و پس از درگیری با رئیس دولت کلمبیا و تحت تعقیب قرار گرفتنش در مکزیك زندگی می‌کرد. مارکز برنده جایزه نوبل ادبیات در سال ۱۹۸۲ شد. او را بیش از سایر آثارش به خاطر رمان صد سال تنهایی چاپ ۱۹۶۷ می‌شناسند که یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های جهان در سبک رئالیسم جادویی است.

گارسیا مارکز یکی از نویسندگان پیشگام سبک ادبی رئالیسم جادویی بود، اگرچه تمام آثارش را نمی‌توان در این سبک طبقه‌بندی کرد. از آثار مارکز به خاطر نثر غنی آن در منتقل کردن تخیلات سرشار نویسنده به خواننده ستایش شده‌است. اما برخی از منتقدان، آثار او را اغراقی آگاهانه و توسل به افسانه و ماوراء طبیعت برای گریز از ناآرامی و خشونت‌های جاری در کلمبیای آن دوران می‌دانند.

شخصیت‌های آثار دولت‌آبادی فارغ از گرایش‌های مذهبی‌شان، قربانی شرایط اجتماعی جامعه هستند. دولت‌آبادی به خوبی توانسته، سادگی، صبر، قناعت و ساده‌زیستی مردمان روستا را به تصویر بکشد و در کنار آن از فقر و ناآگاهی سخن بگوید. همچنین شاخص‌های بوم‌گرایی در این داستان‌ها عمدتاً به شکل رئالیستی و

گاه ناتورالیستی خود را نشان می‌دهد. اما آثار مارکز پیرو مکتب «رنالیسم جادویی» است و الگوهای واقع‌گرایی با خیال و وهم و عناصر سحرآمیز در هم می‌آمیزند. در عمده آثار مارکز دیدگاه جماعت بومی نسبت به زندگی بر اساس افسانه و اسطوره شکل گرفته است. در نتیجه واقعیت از دریچه دید و برداشت جماعت بومیان نسبت به آن به نمایش گذاشته می‌شود.

در این پژوهش آثار محمود دولت‌آبادی و گابریل گارسیا مارکز از جهت توجه به ادبیات بوم‌گرایانه با هم تطبیق داده شده و شباهت‌های فرهنگی و اقلیمی که در رمان‌های آنها دیده می‌شود مقایسه شده است.

رمان و تاریخچه آن

برای رمان به عنوان یک نوع ادبی تعاریف زیادی نوشته شده است. مهم‌ترین ویژگی رمان که در تعارف به کار می‌رود بلندی آن است که از داستان کوتاه و حکایت متمایز می‌شود. رمان داستان بلندی است که دارای شخصیت‌های متعدد بوده و حوادث زیادی در آن اتفاق می‌افتد و معمولاً شامل چندین گره و افت و خیز داستانی است. در فرهنگ آبرامز رمان به عنوان مجموعه‌ای از نوشته آمده که از ویژگی آثار تخیلی برخوردارند و به نثر نوشته می‌شوند. این نوع ادبی در مقایسه با قالب‌های داستانی کوتاه‌تر، دارای شخصیت‌های بیشتر، پیرنگ پیچیده‌تر و محیط اجتماعی گسترده‌تر هستند. (آبرامز، ۱۳۸۰: ۱۳۰) در این تعریف هم ویژگی‌های رمان ذکر شده و هم تفاوت آن با داستان کوتاه.

فرهنگ وبستر نیز رمان را روایت خلاقانه با طول قابل توجه و پیچیدگی خاص تعریف می‌کند که همراه با تجربه انسانی و تخیلات اوست. همچنین روایات در آن متوالی بوده و گروهی از شخصیت‌ها در آن نقش دارند. (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۲۴)

در تعریفی دیگر می‌خوانیم: «رمان داستان بلندی است که شخصیت یا شخصیت‌هایی را در جریان وقایع به هم پیوسته‌ای قرار می‌دهد. این وقایع باید به سوی هدفی خاص حرکت کنند. رمان‌ها معمولاً طولانی و پیچیده هستند و روند حوادث در آن‌ها، از تجربیات انسانی الهام می‌گیرد» (نوروزی، ۱۳۷۵: ۹۸).

در تعریف داستان گفته‌اند، رشته وقایعی است که بر حسب توالی زمان روی می‌دهد بنابراین عنصر مشترک همه انواع ادبی خلاقه داستان است در قصه، رمان، داستان کوتاه، رمان، نمایشنامه، فیلمنامه، شعر روایتی و اشکال دیگر داستان وجود دارد از این رو داستان کیفیت عامی است که بنیاد هر اثر خلاقه را می‌ریزد و تقریباً هم معنا و مترادف ادبیات است. (میر صادقی، ۱۳۷۹: ۲۶-۲۳)

میر صادقی تفاوت رمان با آثار داستانی دیگر را در مشخص نبودن طول آن می‌داند؛ به این معنی که اگر اثر کمتر از سی تا چهل هزار کلمه داشته باشد آن را قصه، داستان کوتاه یا بلند و ناول می‌خوانند ولی رمان حداکثری برای اندازه خود ندارد و شرح و نقلی است از زندگی و متضمن کشمکش، شخصیت‌ها، عمل، صحنه، پیرنگ و درونمایه است. (میر صادقی، ۱۳۷۶: ۲۴)

لوکاچ نیز در مورد رمان در کتاب نظریه رمان می‌گوید: «رمان حماسه جهان بی‌خداست، نفسانیات قهرمان رمانی، اهریمنی است. عینیت رمان مبتنی بر این ملاحظه استوار و سنجیده است که معنا هیچ‌گاه نمی‌تواند در جای از واقعیت رسوخ کند و با این همه واقعیت بدون معنا در برابر نیستی و عدم ذاتیت از پای در خواهد آمد.» (لوکاچ، ۱۳۸۱: ۸۴، به نقل از زیما، ۱۳۷۱: ۹۶)

تعاریف فراوان دیگری راجع به رمان و داستان در کتب مختلف آورده شده که هر یک از زاویه‌ای به آن نگریسته‌اند. حسینی پناه، داستان را تصویری خیالی از زندگی می‌داند که بخشی از حیات انسان را به نمایش می‌گذارد (حسینی پناه، ۱۳۸۴: ۵). البته این تعریف جامعی نیست و می‌تواند شامل برخی از انواع داستان باشد.

آنچه از تعاریف رمان برمی‌آید و آن را از داستان کوتاه متمایز می‌کند می‌تواند وسعت وقایع و طرح پیچیده‌تر آن باشد. یونسی در تعریفی نسبتاً جامع رمان را این‌گونه معرفی می‌کند:

«طرح رمان به خلاف داستان کوتاه پیچیده و وسیع است و اغلب متضمن طرح‌های فرعی نیز هست. رمان می‌تواند یک تم اصلی و یک یا چند تم فرعی داشته باشد. ممکن است عمل داستانی زمان زیادی را در بر بگیرد؛ به علاوه نویسنده می‌تواند استان یا کشور یا کشورهایی را برای صحنه‌ی وقایع داستان

خویش برگزیند و جزئیات امر را به تفصیل و بی احساس هیچ قید و بندی به روی کاغذ بیاورد. رمان می‌تواند بخش اعظم یا همه‌ی زندگی اشخاص داستان و دوستان آنها یا حتی زندگی همه‌ی افراد خانواده‌شان را در بر بگیرد. ممکن نیست بتوان رمانی را در دایره و حوزه‌ی عمل داستان کوتاه مجاله کرد و به همین جهت است که نویسنده‌ی داستان کوتاه هنگامی که طرح پیچیده‌ای را اساس کار قرار می‌دهد از عهده‌ی آن بر نمی‌آید.» (یونسی، ۱۳۸۸: ۱۳)

میرصادقی شخصیت‌های رمان را افرادی واقعی می‌داند که توسط نویسنده آفریده شده‌اند یعنی نمونه‌هایی از این آدم‌ها در دیدرس بوده و خلق نسخه ثانوی کار نویسنده هنرمندست «نویسندگان در رمان شخصیت‌ها را از نمونه انسان واقعی می‌آفرینند و عکس‌العمل آنها را در برابر اعمال و رفتار خودشان و شخصیت‌های دیگر به نمایش می‌گذارند. خصوصیات خلقی و روانی آنها را در برابر وقایع ترسیم می‌کنند و نشان می‌دهند که شخصیت‌های داستان چه می‌کنند و چه می‌اندیشند.» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۴۰۲) طرح و پیرنگ در رمان نسبت به داستان کوتاه گسترش بیشتری می‌یابد و نویسنده فرصت دارد تا در طول رمان و در فرصتی که در اختیار دارد به گسترش وقایع داستانی بپردازد.

«در رمان گسترش و تکوین شخصیت‌ها یا گسترش طرح و پیرنگ یا گسترش فضا و رنگ داستان یا همه این مطرح است ولی در داستان کوتاه فرصتی برای این گسترش‌ها نیست» (میرصادقی، ۱۳۶۶: ۲۲۲)؛ به این ترتیب مهم‌ترین مشخصه‌ی رمان، بلند بودن آن و تعدد شخصیت‌ها و حوادث است.

در رمان درست مانند واقعیت اجتماعی ارزش‌های راستین ضمنی هستند. این ارزش‌ها در واقعیتی که به تمامی زیر سلطه ارزش مبادله‌ای درآمده که همه انسان‌های غیر پروبلماتیک به آن‌ها می‌گرایند به طور بی واسطه دیدنی نیستند. گلدمن از این امر نتیجه می‌گیرد که رمان در مقام آفرینش انتقادی ممکن نیست به آگاهی جمعی به جهان‌نگری هیچ گروه اجتماعی پیوند داده شود: رمان جست و جوی فردی ارزش‌های فوق فردی غایب است (زیما، ۱۳۷۱: ۹۷).

ناصر ایرانی در این مورد می‌گوید: «داستان ممکن است بر اساس تاریخ و واقعیت ساخته شود یا به کل از قوه تخیل نویسنده سرچشمه بگیرد. در هر حال

خصیصه ممیزه آن این است که به طبع و حس‌های پنج‌گانه خواننده توسل می‌جوید و لذت بخش و فایده‌مند است.» (ایرانی، ۱۳۸۰: ۴۸) به این ترتیب از دیدگاه ایرانی لذت‌جویی یکی از اهداف رمان است زیرا بدون وجود این حس خواننده راغب به ادامه داستان نخواهد بود. اما سبک رمان می‌تواند رئال یا غیر آن باشد و به هر روی از زندگی اجتماعی مردم زمان‌های مختلف الگو می‌گیرد و در خلاء پیدا نمی‌شود.

رمان‌ها در نگاهی کلی ویژگی‌هایی دارند که عبارت است از:

۱- نثر روایتی

منظور از روایت این است که نویسنده به جای این که گزارش کند نشان می‌دهد و خواننده را به طور مبسوط در ماجرا وارد می‌کند و به جملات موجز و دادن خبر اکتفا نمی‌کند. به این ترتیب ممکن است جمله‌ای گزارشی تبدیل به نثری طولانی مملو از صور خیال و بیان احساس نویسنده باشد.

۲- طولانی بودن

رمان به مقتضای این که دارای شخصیت‌های متعدد و روایتی دنباله‌دار است طولانی است و نمی‌تواند در کمتر از صد صفحه نوشته شود در غیر این صورت تبدیل به داستان بلند یا کوتاه می‌شود.

۳- مبتنی بودن بر زندگی واقعی

رمان‌ها بر خلاف قصه‌های قدیمی که بنای آنها بر تخیلات غیر واقعی و آرمان‌گرایانه بود از واقعیت نشأت می‌گیرند.

۴- در بر داشتن حالات و تجارب بشری

رمان بیان تجربه زیسته بشر است به همین علت نویسنده آنچه را جمع به زندگی خود یا دیگران تجربه کرده روی کاغذ می‌آورد و به همین دلیل خوانش آن برای خواننده امروزی که به دنبال واقعیت امر می‌گردد و خود را در تخیل محض رها نمی‌کند لذت بخش است.

۵- طرح پیچیده داشتن

این ویژگی در برخی رمان‌ها دیده می‌شود غالباً رمان‌هایی که با روایت غیر خطی نوشته می‌شوند خواننده را سر در گم کرده طرح را پیچیده می‌کند ولی در برخی رمان‌های واقع‌گرا که روالی خطی دارند چنین طرحی دیده نمی‌شود.

۶- خلاقه بودن و مبتنی بر تخیل

با وجود این که رمان از واقعیت سرچشمه می‌گیرد نمی‌تواند سراسر واقعی باشد نویسنده باید از قوه خلاقه ذهن خود نیز کمک بگیرد.

۷- شخصیت پردازی

یکی از عناصر مهم رمان شخصیت است که باید در رمان تکوین پیدا کند بر خلاف داستان کوتاه، شخصیت رمان نمی‌تواند از پیش رشد کرده و وارد داستان شده باشد. این شخصیت باید توسط نویسنده پرداخته شده و خواننده شاهد رشد آن باشد. رمان نوعی از داستان است که ساختار بلندی دارد و نویسنده در این متن طولانی با دست باز هر آنچه می‌خواهد برای خواننده بیان می‌کند. در این نوع ادبی شخصیت‌های بسیاری می‌توانند حضور داشته باشند و فعل و انفعالات کنش‌های مخصوص به خود را بروز دهند. از این رو تفاوت آن با داستان کوتاه را می‌توان در همین شخصیت پردازی دانست.

۸- تصویرگری بحران‌های عاطفی و تاریخ زندگی آدمی

با توجه به این رمان بر زندگی واقعی مبتنی است تصویری از احساسات انسان‌ها در جامعه مطابق با زمان خود ارائه می‌دهد و اهمیت رمان در همین است که عنصر جامعه‌شناسی نیز در آن حضور دارد.

۹- در بر داشتن شالوده جامعه

رمان‌ها طرحی کلی از جامعه مورد نظر نشان می‌دهند و نمی‌توانند جدا از تجربه زیسته باشند هر چقدر نویسنده تخیل قوی داشته و داستان را به راهی دیگر ببرد، کلیت جامعه و نحوه تفکر غالب بر آن در رمان پیدا می‌شود و ساختار جامعه در آن نفوذ می‌کند.

۱۰- بیان ماجراها و احساسات بشری

طولانی بودن رمان این حسن را دارد که می‌تواند ماجراهای فراوانی را پی در پی در بر بگیرد و احساسات نوع بشر را در حد معقول روایت کند. بر خلاف قصه که

به جای بیان احساسات به تخیل و آرمان‌گرایی می‌پرداخت در رمان واقعیت در بیان احساسات فردی و اجتماعی اهمیت دارد.

۱۱- تصویر اعمال و بیان گفتار شخصیت‌ها

نویسنده رمان بیشتر از این که گزارش بدهد تصویر می‌کند و نشان می‌دهد. همراهی دیالوگ و تصویر و توصیف به خواننده این امکان را می‌دهد که یک زندگی واقعی را پیش روی خود تصور کند.

بنابراین رمان روایتی منثور و طولانی است با طرحی پیچیده که با خلاقیت واقعیت و تخیل در آن با هم گره خورده است. این روایت مبتنی بر زندگی واقعی و دربردارنده‌ی حالات و تجارب بشری است. در رمان ضمن شخصیت‌پردازی به تصویرگری بحران‌های عاطفی و بیان ماجراها و احساسات آدمها و تصویر اعمال و بیان گفتار آنها و تاریخ زندگی پرداخته می‌شود. رمان در عین حال که بر زندگی افراد تمرکز دارد، آینه تمام‌نمای جامعه است. (ر.ک: طهماسبی، ۱۳۹۴: ۳۲-۳۵)

تاریخچه رمان در اروپا

رمان نسبت به سایر انواع ادبی متأخرتر است زیرا در جوامع بدوی زمینه چنین داستانی وجود نداشت. به سخنی دیگر «رمان نویسی از نشانه‌های مدرنیته است و همزاد شهرنشینی، دقیق‌تر بگوییم شهرنشینی زمینه ساز رمان‌نویسی است و رمان نویسی دستاورد شهرنشینی.» (ساعی ارسی، ۱۳۹۲: ۵۳)

بنابراین باید گفت رشد جامعه و پیشرفت‌های جوامع با پیدایش ادبیات رمانتیک و نوع رمان ارتباط دارد. همچنین «رشد روابط اقتصادی بورژوازی و فرآیند صنعتی شدن نیمه اول سده نوزدهم، گروه‌های عظیمی از مردم را به صحنه‌های اصلی و تأثیرگذار فعالیت اقتصادی و اجتماعی کشانده بود. شهرهای بزرگ واحدهای بزرگ تجاری و صنعتی، دیوان‌سالاری و شاهراه‌های ارتباطی، بخش‌های مهمی از مردم را به مراکز اصلی تولید، مصرف و تصمیم‌گیری‌های سیاسی مربوط ساخته بود.» (محمودیان، ۱۳۸۱: ۱۵)

مدرنیسم یکی از عوامل شکل‌گیری رمان است «رمان نویسی از نشانه‌های مدرنیته است و همزاد شهرنشینی، دقیق‌تر بگوییم شهرنشینی زمینه‌ساز رمان‌نویسی است و رمان نویسی دستاورد شهرنشینی.» (ساعی ارسی، ۱۳۹۲: ۵۳) «از همین دوران، نگرشی نو به انسان و هستی او آغاز شد و زمزمه‌های شکل‌گیری مدرنیسم در جهان گسترش پیدا کرد.» (کادن، ۱۳۸۶: ۲۴۶)

پیش از ظهور رمان در قرن ۱۸ در ایتالیا آثار منثوری پدید آمد که اغلب جنبه سیاسی اجتماعی داشت که مشهورترین آنها «دکامرون» است. قصه‌های عیاری نیز اولین بار در اسپانیای قرن شانزدهم ظهور کرد. هدف از این نوشته‌ها انتقادهای واقع‌گرایانه بود که از آن جمله دن کیشوت معروف است. این گونه‌گرایشات زمینه ظهور رمان را در انگلستان قرن هجدهم فراهم کرد. رمان‌های رایبسون کروژوئه و پاملا در این زمان ظهور کردند. (مقدادی، ۱۳۷۸: ۲۵۹)

میر صادقی در کتاب «ادبیات داستانی» رمان‌پدایش رمان در اروپا را در سال ۱۶۷۸ با خلق رمان شاهزاده خانم کلو می‌داند که اثر مادام دولافایت است. این رمان گرچه قالبی همچون رمانس دارد از خصوصیات رمان‌های امروزی برخوردار است. (میر صادقی، ۱۳۹۴: ۴۶۷)

در دوره رنسانس تحولات مهمی در نگرش غرب به هستی ایجاد شد. کاهش نفوذ کلیسا در امور اجتماعی و سیاسی، آزادی‌های اجتماعی و مذهبی را به دنبال داشت که جریان علم‌آموزی و حرکت به سوی دانایی را موجب شد. آزادی‌اندیشه یکی از عوامل پدایش ادبیات به سبک تازه محسوب می‌شود که در سیر تحول خود رمان نویسی را پدید آورده است. گذر از دوران قرون وسطی ابعاد فکری انسان‌ها را دگرگون کرده است و بر خلاف تعالیم مذهبی فردیت را اصالت می‌بخشد.

رمان در اروپا، به بیان مختصر، نتیجه دورانی است که رنسانس تمام رازهای دنیا را کشف می‌کرد. در چنین وضعیتی رمان، طغیان انسان علیه دنیا بود که به وجود آمد. گسترش اندیشه‌ی جدید در اروپا، تمدن جدیدی به وجود آورد که شهر و ادبیات هر دو از نتایج آن است.

«یافته‌های نظریه پردازان غربی نشان می‌دهد که رمان در پیوند با دوره ویژه‌ای از تاریخ است که بیش از همه با ظهور ایده فردباوری شناخته می‌شود چنان‌که وات می‌گوید رمان مطمئناً از دیگر انواع و شکل‌های ادبی پیشین با این ویژگی متمایز می‌شود که توجه بسیاری به طور طبیعی به فردیت بخشی به شخصیت‌های داستان و بازنمایی جزئیات محیطشان دارد. (خجسته، ۱۳۸۷: ۶۶)

در نیمه‌ی اول سده نوزدهم، به علت پیشرفت مسائل اقتصادی و فرآیند صنعتی شدن، سواد در میان مردم، رشد چشمگیری داشت و باعث شد که اقشار زیادی از مردم و به ویژه، توده‌های شهرنشینی، این امکان را به دست آورند که به خواندن کتاب پردازند.

«رشد روابط اقتصادی بورژوازی و فرآیند صنعتی شدن نیمه‌ی اول سده‌ی نوزدهم، گروه‌های عظیمی از مردم را به صحنه‌های اصلی و تأثیرگذار فعالیت اقتصادی و اجتماعی کشانده بود. شهرهای بزرگ واحدهای بزرگ تجاری و صنعتی، دیوان سالاری و شاهراه‌های ارتباطی، بخش‌های مهمی از مردم را به مراکز اصلی تولید، مصرف و تصمیم‌گیری‌های سیاسی مربوط ساخته بود.» (محمودیان، ۱۳۸۱: ۱۵)

بنابراین در غرب در سده بیستم با به وجود آمدن مدرنیته، پدیده جدیدی به نام رمان خوانی و رمان نویسی به وجود آمد.

هنری جیمز رمان‌نویسی بود که بیش از همه کوشید تا شکل جدیدی از ادبیات داستانی را در دوره مدرن بیافریند. وی توجه وافری به مفهوم «وحدت انداموار» داشت. در نظر جیمز وحدت در یک اثر هنری صرفاً به معنای انتخاب مطالب محدود نیست؛ برعکس، آنچه ادبیات داستانی را زنده نگه می‌دارد تلاش در جهت دست یافتن به تار و پود زندگی و ضرب آهنگ نامنظم و شگفت‌آور آن است. جیمز ترکیب عناصر در یک رمان را با ترکیب اجزاء تابلوی نقاشی قیاس می‌کند و از این طریق بر ضرورت وحدت زیباشناختی در رمان تأکید می‌ورزد. (فاکتر، ۱۳۸۹: ۱۲۴).

به این ترتیب می‌توان مهمترین عوامل پیدایش رمان را چنین برشمرد:

- ۲- توجه به هویت فردی انسان‌ها در کنار هویت جمعی
 - ۳- افول اشرافیت فئودالی و ادبیات خاص آنها
 - ۴- انقلاب صنعتی اروپا و ظهور طبقه شهرنشین و بورژوا
 - ۵- اختراع و تحول فن چاپ
 - ۶- ظهور خوانندگان با ذهن و ذائقه برتر
 - ۷- پیروزی نثر بر شعر (روزبه، ۱۳۸۱: ۲۴)
- دن کیشوت به عنوان رمانس پذیرفته شد و جرعه ای بود برای آغاز رمان نویسی و پس از آن نویسندگان که از طبقه اشراف بودند رمان‌هایی با موضوعات مربوط به این طبقه نوشتند که به سبک کلاسیک بود و از جامعه واقعی و مردمی فاصله زیادی داشت.
- پس از دن کیشوت، شاهکار مادام دولافایت «شاهزاده خانم کلو» نام داشت. پس از آن می‌توان از رمان نویسانی چون: دانیل دوفو، ساموئل ریچاردسون، هنری فیلدینگ، والتر اسکات و... نام برد که این نوع ادبی را متحول کردند. (عسگری حسنلو، ۱۳۸۷: ۳۵-۳۶)

تاریخچه رمان در آمریکای لاتین

آمریکای لاتین بر خلاف اروپا دیرتر به عرصه رمان نویسی وارد شد به همین دلیل در دوره کلاسیسیسم از نویسندگان آمریکای لاتینی نامی به میان نمی‌آید اما در دوره رمانتیسیم نام نویسندگانی همچون: امرسن، ایروینگ، لانگ فو، والت ویتمن، ادگار آلن پو به چشم می‌خورد. همچنین نویسندگانی که آثاری رئالیستی پدید آوردند عبارتند از جک لندن، والت ویتمن و مارک تواین که وی را آغازگر رئالیسم در آمریکای لاتین می‌دانند و از آثار معروف او ماجراهای هاگل بری فین (۱۸۸۴) و شاهزاده و گدا (۱۸۸۲) است. به اعتقاد همینگوی، ادبیات جدید آمریکای لاتین حاصل کتاب هاگل بری فین است و پیش از آن چیز درخوری وجود نداشته است. در تاریخ ادبیات آمریکای لاتین مسأله بازگشت به رئالیسم از ۱۹۳۰ به بعد

مطرح شد که به آن نئورئالیسم می‌گویند و از نویسندگان معروف آن می‌توان به همینگوی، جان اشتاین بک، ویلیام فاکنر و هرمان ملویل اشاره نمود. (شمیسا، ۱۳۹۰: ۸۳-۸۲)

در قرن نوزدهم با رواج افکار ناتورالیستی نویسندگانی همچون فرانک موریس، استیفن کرین، نورمن میلر و دایزر در آمریکای لاتین ظهور کردند و برخی اثر خوشه‌های خشم جان اشتاین بک را که در ۱۹۳۸ نوشته شد ناتورالیستی می‌دانند. (همان: ۱۰۲)

قرن بیستم همراه با تحولاتی که در جهان پدید آمد در ادبیات آمریکای لاتین نیز تأثیر گزار بوده و نوآوری‌هایی در زمینه داستان‌سرایی این کشور پدید آورده است که در دهه چهل به عنوان مکتبی نو و با نام رمان جدید آمریکای لاتینی لاتین معرفی شد. در میان این نوآوری‌ها دو روش فکری و هنری پدید آمده و رشد کردند که با واقعیت آمریکای لاتینی لاتین گره خورده و به معرفی حقایق موجود در این سرزمین می‌پردازند: رئالیسم جادویی و رئالیسم شگفت‌انگیز. (حق روستا، ۱۳۸۵: ۲۱)

پیش از آن نیز باید به سبک سمبولیسم اشاره کنیم که نویسندگانی چون عذرا پاوند، دایلن توماس، ای.ای. کمینز، جویس، و حتی فاکنر را می‌توان در این زمینه صاحب اثر دانست. (شمیسا، ۱۳۹۰: ۱۲۱)

دوره طلایی ادبیات آمریکای لاتینی لاتین که به عنوان رئالیسم جادویی نامیده شد پدیده‌ای است که باید درون ادبیات پست مدرن بررسی شود. بنابراین رئالیسم جادویی شاخه‌ای از ادبیات پست مدرنیستی است. (نجومیان، ۱۳۹۱: ۱۱)

خاستگاه این سبک آمریکای لاتین نیست اما به دلیل شهرت صد سال تنهایی، این سبک به آمریکای لاتینی لاتین منسوب شد. اسپانیایی‌ها در قرن شانزدهم آمریکای لاتینی لاتین را تصرف نموده و زبان آنها را که دارای تمدن کهنی بودند تغییر دادند. برخی از این فاتحان سفرنامه‌هایی نوشتند که پر از اغراق و مسایل عجیب و غریب است و همین نوشته‌هاست که منشأ پدیداری رئالیسم جادویی شده است. (شمیسا، ۱۳۹۰: ۲۴۳)

به این ترتیب ادبیات مدرن آمریکای لاتین محصول اندیشه جادویی مهاجرانی است که از تخیلات خود برای نوشتن وقایع غیر واقعی استفاده کردند و این نوع ادبی را در این دیار رواج دادند.

تاریخچه رمان در ایران

همان‌طور که گفتیم رمان نتیجه نوگرایی است و این اتفاق در هنگام انقلاب مشروطه در ایران رخ داد. دوره مشروطه در ایران حوادثی سیاسی رخ داد که مستقیماً بر ادبیات نظم و نثر تأثیر گذاشت. «متفکران مشروطه دریافته بودند که این عصر، عصر دیگر است و برای بیان طغیان روحی و اجتماعی خود به زبان و انواع ادبی تازه‌ای می‌اندیشیدند. میرزا آقاخان می‌گفت: مقایسه ادبیات جدید فرنگستان با آثار نفیس ادبای ایران نسبت تلگراف است به برج دودی و نور الکتریک است به چراغ موسی. او غالب اشعار کلاسیک ایران را مایه فساد و تباهی ملت می‌دانست.» (میر عابدینی، ۱۳۸۰: ۱۸)

متفکرین مشروطه در رویارویی با فرهنگ اروپا متوجه کمبودهای موجود در ادبیات شده در صدد رفع آن برآمدند و این دوره سرعت تغییرات ادبی در ایران بسیار زیاد است به طوری که در عرض چند سال آثار تازه‌ای پیدا می‌شود که تأثیر غرب و ادبیات اروپا بر آن آشکار است.

به گفته میر عابدینی، برخورد جامعه سنتی ایران با اروپا و پیشرفت‌های آن دیار موجب بیداری فکری روشنفکران و نگرش تازه به سیاست و فرهنگ شده و از سویی شیفتگی به تمدن غرب به تحقیر فرهنگ ایران و تجدّد خواهی انجامیده است. به دلیل این که این روشنفکران آشنایی عمیقی از فرهنگ غرب نداشتند در نقد ادب کهن از دانسته‌های سطحی خود استفاده می‌کردند. افرادی مانند آخوندزاده و میرزا آقاخان و زین‌العابدین مراغه‌ای گمان می‌کردند با تغییر مضامین عاشقانه و غنایی به مباحث سیاسی و میهنی می‌توان انحطاط اخلاقی را بر طرف

کرد به همین دلیل طالبوف توصیه به تغییر خط و الفبا نموده آن را از موانع اصلی ترقی می‌دانست. (همان: ۱-۱۹)

در ادبیات ایران پیش از مشروطه چیزی به عنوان رمان و داستان کوتاه به شکل فعلی وجود ندارد. هر چه هست قصه‌ها و داستان‌های بلند عامیانه و کلاسیک و قهرمانی است که ریشه در وقایع تاریخی و مذهبی دارد و گاه برگرفته از روایات شفاهی و قهوه‌خانه‌ای و نقلی است. رمان و داستان در ایران پس از انقلاب سیاسی مشروطه رواج یافت و پیش از آن تنها حکایات تعلیمی و غنایی و منظومه‌های داستانی در ادبیات ایران نمود داشت.

توجه به مطالعاتی که تکوین گفتمان روایی را در ادبیات کشورهای همسایه ایران بررسی کرده‌اند ثابت می‌کند که عوامل تعیین کننده مشترکی در پیدایش رمان دخیل است. رمان تقریباً به طور همزمان در ادبیات ترکی، عربی، پنجابی و فارسی ظهور می‌کند. (بالایی، ۱۳۷۷: ۹) پیدایش از نوع ادبی مستلزم پیش زمینه‌هایی است. زمینه تولید رمان در ایران نیز آشنایی با دنیای تازه و ایجاد تحول در اندیشه نویسندگان بود که از دوران قاجار و سپس مشروطه آغاز شد و در دوره معاصر گسترده‌گی پیدا کرد.

پیدایش و گسترش رمان فارسی محصول مهیا شدن بسیاری از دیگر پیش شرط‌های این نوع ادبی در داخل نیز بود. نضج و گسترش ایده فردباوری به مثابه ارمان انقلاب مشروطه و پیامد مدرن شدن جامعه ایرانی و ورود یا ایجاد برخی از وجوه تمدن اروپایی و مقتضیات آن نظیر چاپ، نظام آموزشی نوین، ترجمه، مطبوعات و گسترش دامنه سوادآموزی و گفتمان ناسیونالیسم از جمله عواملی است که زمینه ظهور و گسترش رمان فارسی را فراهم آوردند. (خجسته، ۱۳۸۷:

(۶۷)

«انتقاد از اوضاع و جامعه‌ی آشفته‌ی آن دوران از عمده‌ترین موضوعات و درون مایه‌های ادبیات سیاسی عصر مشروطه و سال‌های بعد از آن بوده است. به دلایل متعددی از جمله رواج دیوان سالاری، ورود مظاهر فرهنگ و تمدن غرب، گسترش شهرنشینی و... مسائل و مشکلات جدیدی در جامعه‌ی ایران به وجود آورد و رمان فارسی به انعکاس این معضلات پرداخت.

از جمله عواملی که در پیدایش رمان فارسی نقش دارد می‌توان به این موارد اشاره نمود:

- ۱- فردیت و هویت یافتن افراد ملت همزمان با رشد طبقه متوسط.
- ۲- جدایی هنرمند از دربار و اشرافیت.
- ۳- دگرگون شدن کارکرد زبان و دموکراتیک شدن نثر و واقع‌گرایی نویسندگان.

۴- فراهم شدن امکانات چاپ و نشر. (میر عابدینی، ۱۳۸۰: ج ۱: ۲۲)

در فاصله سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۱۰ با وجود گسترش قدرت روزافزون دولت، فرصتی مناسب برای نوشتن و انتشار آثار ادبی تازه به وجود آمد. آثار انتقادی که وضع اجتماعی دوران پس از مشروطه را نشان می‌دهد.

نخستین رمان‌های فارسی داستان‌های تاریخی است که بالیدن آگاهی سیاسی و احساسات ملی را می‌رساند. «شمس و طغرا» اثر میرزا محمد باقر خسروی همین ویژگی را دارد. همچنین است «ستارگان فریب خورده» اثر آخوندزاده که از کتاب تاریخی عالم آرای عباسی اقتباس شده است. خانلری «سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ» و «مسالک المحسنین» را نیز جزو رمان‌های انتقادی، اخلاقی، اجتماعی می‌داند. (دستغیب، ۱۳۸۷: ۵۴)

میر عابدینی در بررسی زیر ساخت‌های رمان فارسی، به سراغ میرزا جعفر قراجه داغی می‌رود که در سال ۱۲۵۳ کتاب ستارگان فریب خورده میرزا فتحعلی آخوندزاده را از زبان آذربایجانی به فارسی برگردانده است و توضیح می‌دهد که این اثر رمان کوتاه تاریخی است که ماجرای آن در زمان شاه عباس صفوی رخ داده و نویسنده در آن واقعیت وحشتناک زمان خود را شرح داده است. میر عابدینی آخوندزاده که پرونده فضای تفریس و متأثر از واقع‌گرایان روس است اولین نویسنده ایرانی تبار می‌داند و همچنین به زین العابدین مراغه‌ای اشاره می‌کند که رمان سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ را در سال ۱۲۷۴ شمسی نوشته است. (ر.ک: میر عابدینی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۰)

در ادامه رمان‌های ایرانی در دوره مشروطه به مسالک المحسنین عبدالرحیم طالبوف برمی‌خوریم که سفرنامه‌ای است که به سبکی انتقادی نوشته شده و با

حیات سیاسی جامعه ایرانی پیوند دارد. همچنین است کتاب احمد یا سفرنامه طالبی که تحت تأثیر روسو نوشته شده است. (میر عابدینی، ۱۳۸۰: ج ۱: ۲۳-۲۵)

از جمله رمان‌های تاریخ دوره مشروطه می‌توان به شمس و طغری نوشته محمد باقر میرزا خسروی اشاره کرد که در سه جلد نگارش یافته است. این رمان دارای پس‌زمینه تاریخی است و داستان‌های عاشقانه‌ای را روایت می‌کند که شخصیت‌های آن از طبقه اشراف است. نویسنده این رمان نیز از نوادگان فتحعلی‌شاه بوده و مردی درویش مسلک و گوشه‌گیر است. وی این رمان را یکسال پس از انقلاب مشروطه و پس از ترجمه داستان عذراء قریش نوشته است. (میر عابدینی، ۱۳۸۰: ج ۱: ۳۲)

پس از رمان‌های تاریخی، نویسندگان به اوضاع اجتماعی توجه کرده و در ابتدای قرن حاضر رمان‌هایی با موضوعات اجتماعی به نگارش درآمدند. نخستین رمان اجتماعی در ایران، «تهران مخوف» بود که توسط مشفق کاظمی نوشته شد و در این اثر، انتقاد از اجتماع و اوضاع آشفته آن سال‌های جامعه به چشم می‌خورد. از دلایل دیگر می‌توان به ورود نشانه‌های فرهنگ و تمدن غرب، گسترش شهرنشینی و مشکلات و معضلات آن می‌توان اشاره کرد.

«یک سال پس از یکی بود یکی نبود، رمان بلند تهران مخوف (۱۳۰۱ ش.) نوشته سید مرتضی مشفق کاظمی (۱۳۵۷-۱۲۸۰ ش) اولین رمان اجتماعی فارسی شناخته می‌شود. مشفق کاظمی، از جوانی در مطبوعات قلم می‌زد و زمانی نیز مدیر مجله فلاح و تجارت بود، از متجددان و عضو جامعه محصلان ایران در آلمان به نام جمعیت امید ایران و از بنیانگذاران مجله نوگرایی نامه فرنگستان در سال ۱۳۰۳ ه. ش: و نویسنده اولین سرمقاله آن است. او پس از بازگشت به ایران روزنامه نگاری را با مجله «ایران جوان» ادامه داد و به ترسیم اوضاع دردناک تهران ۱۳۰۰ پرداخت. مشفق جلد دوم تهران مخوف را با نام یادگار یک شب (۱۳۰۴/۱۳۰۵ م.) ادامه داد. دو رمان دیگر وی گل پژمرده (۱۳۰۸) و رشک پربها (۱۳۰۹) نیز گرچه مایه اجتماعی دارند اما به اندازه تهران مخوف توفیق نیافتند.» (فتوحی، ۲۰۰۶: ۷، ۶)

تهران مخوف مشفق کاظمی، به طریق واقع‌گرایی زندگی و اجتماع را توصیف می‌کند و به بررسی مشکلات دوران خود می‌پردازد.

برخی از منتقدان تهران مخوف را به دلیل رنگ و بوی ژورنالیستی آن به عنوان آغازگر ژانر پاورقی قلمداد کرده‌اند. به دلیل محبوبیتی که این کتاب در میان مردم پیدا کرد سایر نویسندگان نیز به این سمت رو آوردند. «عباس خلیلی رمان‌های روزگار سیاه (۱۳۰۳/۱۹۲۵ م.) انتقام (۱۳۰۴/۱۹۲۵ م.) و اسرار شب (۱۳۰۵/۱۹۲۶ م.) را نوشت و یحیی دولت‌آبادی داستان شهرناز (۱۳۰۴/۱۹۲۵ م.) و احمد علی خدادادگر تیموری رمان‌های روز سیاه کارگر (۱۳۰۵/۱۹۲۶ م.) روز سیاه رعیت (۱۳۰۶/۱۹۲۷ م.) را منتشر کرد. ربیع انصاری در داستان جنایات بشر یا آدم فروشان قرن بیستم (۱۳۰۸/۱۹۲۹ م.) و علی اصغر شریف رازی با رمان‌های خون-بهای ایران یا عشق و شکیبایی (۱۳۰۵/۱۹۲۶ م.) (مکتب عشق) به همین شیوه داستان واقع‌گرای فارسی را پیش بردند. از میان کسانی که شیوهٔ برخورد مشفق‌کاظمی با مسئله زن را دنبال کردند، کار احمد علی خدادادگر تیموری ارزش بیشتری دارد. او کوشیده تا بر اساس مشاهدات خویش از زندگی زنان روستایی و شهری در سال‌های انتقال حکومت از قاجار به پهلوی تصویری واقعی ارائه نماید.» (بیژنی دلیوند، ۱۳۹۰: ۲۱، ۲۲)

پس از تهران مخوف نویسندگان دیگری تحت تأثیر این کتاب، داستان‌هایی نوشتند مانند روزگار سیاه (۱۳۰۳)، انتقام (۱۳۰۴) و اسرار شب (۱۳۰۵) اثر عباس خلیلی، شهرناز (۱۳۰۴) اثر دولت‌آبادی، روز سیاه کارگر (۱۳۰۵) و روز سیاه رعیت (۱۳۰۶) اثر احمد علی خدادادگر تیموری، که از انواع رمان‌های اجتماعی این دوره به حساب می‌آیند. (میر عابدینی، ۱۳۸۰: ج ۱: ۶۱)

مضامین سیاسی و اجتماعی از مهمترین مضامین اولین رمان‌های ایرانی هستند. نویسندگان واقع‌گرا با توجه به دنیای اطراف خود دست به قلم برده و ناراضیاتی خود را از اوضاع، در داستان بیان می‌کنند.

رمان‌های اجتماعی فارسی در دوره‌ی حکومت رضاشاه تقریباً همه به مسائلی می‌پردازند که نوسازی رضاشاهی برای ایران به وجود آورده است. دوره‌ی رضا شاه دوره‌ای نیست که رمان‌نویسان بتوانند آزادانه از وضع موجود انتقاد کنند تا آن جا که هیچ رمان انتقادی - اجتماعی در این دوره نوشته نمی‌شود. حتی رمانی مانند بوف-کور (۱۳۱۵) صادق هدایت در هندوستان چاپ می‌شود. رمان‌های انتقادی

در مورد این دوره همگی در سال‌هایی نوشته می‌شوند که از رضا شاه خبری نیست. «ساعی ارسی و صالحی، ۱۳۹۲: ۵۹»

فضای حاکم بر جامعه که از سوی حکام بر مردم تحمیل شده به خوبی در آثار نویسندگان این دوره مشخص و آشکار است. به ویژه اختناق و سکوتی که از سوی رضاخان و قوانین مدون وی برای ایجاد نظم و سرکوبی مخالفان ایجاد شده بستر خوبی برای مهیا شدن موضوعات است که نویسندگان خوش ذوق بدان پرداخته‌اند.

گسترش اختناق در نیمه دوم حکومت رضاشاه فضای تیره و یأس آلودی بر رمان فارسی حاکم می‌کند. نویسنده‌ای مانند محمد مسعود در رمان‌های خود-- تفریحات شب (۱۳۱۱) در تلاش معاش (۱۳۱۲) و اشرف مخلوقات (۱۳۱۳) به انتقاد از این فضا پرداخته و طرحی انتقادی از سیمای زندگی تحصیل کردگان را به نمایش می‌گذارد و از جوانانی می‌گوید که عمرشان با کار بیهوده اداری و تفریحات بی‌ثمر حرام می‌شود. (میر عابدینی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۶۸)

زیبا از رمان‌های برجسته این دوره نوشته محمد حجازی است که در سال ۱۳۱۲ نوشته شد و در حوزه روانشناسی اجتماعی جای می‌گیرد. قهرمان این رمان در جامعه‌ای بحران‌زده در جدال قدرت میان حاکمان قرار دارد و موضوع آن زد و بندهای سیاسی و تأثیر زنان زیبا در جابجایی قدرت میان اشخاص است.

در نگاهی کلی می‌توان گفت رمان‌های آغازین فارسی آمال و آرزوهای اقشار جامعه را در خود دارند که توسط قشر روشنفکر نوشته شده و به مرور به تکامل می‌رسد. به عقیده میر عابدینی رمان‌های اولیه درحالی‌که بیشتر ریشه در داستان‌های عامیانه فارسی دارند به شیوه اروپایی هم‌گرایش داشته‌اند و نویسندگان این رمان‌ها به دلیل محدودیت‌های فکری و هنری نتوانسته‌اند توصیف منسجمی از دوره خود پدید آورند. (ر.ک: میر عابدینی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۷۳)

دوره معاصر از نظر سیاسی افت و خیزهای زیادی داشته است. در اواخر قاجار با شکل‌گیری مبارزات مردم برای مشروطه خواهی و سپس درخواست جمهوری و کودتای رضاخانی تحولات مهمی بود که پس از جاگیر شدن رضاخان نیز همچنان تنش‌ها ادامه داشت.

پس از شهریور ۱۳۲۰ در اثر تحولات جهان که ناشی از جنگ جهانی دوم بود و پایان پهلوی اول، تغییرات زیادی در کشور به وجود آمد. سال‌های بیست تاسی و دو دارای تحرک و دگرگونی‌های زیادی هستند و در این سال‌ها نویسندگانی همچون هدایت ظهور کردند و همچنین رشد روزنامه نویسی و مجلات گوناگون حاکی از تحولات ادبی مهمی در این دوران است. در این دوره رمان‌های عامه‌پسند همچنان نوشته می‌شود. «در رمان‌های دهه ۱۳۲۰ توجه عمده نویسنده صرفاً درگیر کردن خواننده با رویدادهای ناشناخته به منظور سرگرم کردن او می‌شود». (میر عابدینی، ۱۳۸۰: ج ۱: ۱۳۵) از نمونه‌های این نوع رمان می‌توان به ده نفر قزلباش اثر حسین مسرور اشاره کرد که از آثار خلاقانه این دوره است.

رمان‌های پاورقی راهی بود برای جذب مخاطب به خرید مجلات و پیگیری داستان‌ها که هم به نفع نویسنده و هم صاحب مجله بود و این رویه کم کم به صورت پیوسته درآمد و نویسندگان بسیاری در این زمینه با مجلات به همکاری پرداختند و به دلیل این که دنباله‌ی رمان باید به سرعت آماده می‌شد تا در شماره بعدی به چاپ برسد این نوع رمان‌ها نسبت به رمان‌های کتابی، با دقت کمتری نوشته می‌شد و از نظر ادبی ارزش چندانی نداشت و بیشتر به جذب مخاطب از طریق تعلیق و انتظار توجه می‌نمود.

ادبیات تطبیقی

ادبیات تطبیقی محصول تعامل فرهنگ‌ها با یکدیگر است و این در زمانی اتفاق افتاد که ملت‌ها بیشتر به داد و ستد پرداخته و کتاب‌های خود را به زبان‌های دیگر ترجمه کردند یا صنعت ترجمه رواج پیدا کرده و ملت‌ها با آثار یکدیگر آشنا شدند. بنابراین ادبیات تطبیقی پیشینه‌ی طولانی ندارد. این مقوله از داد و ستد و اقتصاد شروع شده و در ادامه، این امر به مقوله‌ی فرهنگی نیز کشیده شد و موجبات رشد دو ملت را فراهم کرد.

«از ابتدای قرن نوزدهم این علم بسیار هدف بحث و مطالعه قرار گرفت و اندک اندک متکامل شد و در اوایل قرن بیستم، با گشایش رسمی دروس این رشته نوپا و با ارائه رساله‌های ارزشمند، هویتی مستقل یافت. به نظر می‌رسد اولین بار عبارت

«ادبیات تطبیقی» در سال ۱۸۱۶ به کار رفت ولی نفس موضوع این علم، قطعاً قدیمی‌تر است.

گویا اولین بار «فرانسوا ویلمن» بود که این عبارت را به هنگام تدریس ادبیات بیگانه در سال ۱۸۲۸ در سوربن به کاربرد و مورخان تاریخ این رشته، آن را مبنای کار قرار دادند. هر چند بودند کسانی که دیگران را مقدم می‌دانستند. در اواخر قرن نوزدهم بود که چندین اثر تطبیقی مهم ارائه شد و این آثار نیز، پژوهش‌های دیگری را تا اواسط قرن بیستم سبب شد. فرانسه پیش‌گام این علم است و نخستین کنگره آن را در سال ۱۸۷۸ به مدیریت ویکتور هوگو در پاریس و کنگره بعدی را در سال ۱۹۰۰ در همین شهر برگزار کرد.

نخستین کتاب شناسی ادبیات تطبیقی هم به همت «لویی پل بتز» در ۱۸۹۷ تهیه و به وسیله بالدنسپرژه در فرانسه منتشر شد. اکنون ادبیات تطبیقی با تاریخی حدوداً ۲۰۰ ساله در کنار نقد ادبی و تاریخ ادبیات در دانشگاه‌های دنیا تدریس می‌شود و به ابزاری برای شناخت ادبیات ملت‌های مختلف تبدیل شده است. (نجفی، ۱۳۵۱: ۴۳۵، ۴۳۶)

بعضی از فرهنگ‌های معتبر جهانی، ادبیات تطبیقی را آزمون و تحلیل روابط و همسانی‌های میان ادبیات ملت‌های متفاوت جهان دانسته‌اند و برخی از پژوهشگران، ادبیات تطبیقی را مطالعه ادبیات ملّی ملت‌ها به سبک فرامرزی و یا مطالعه فرهنگ‌های ملی بر مبنای مقایسه آن‌ها تعریف نموده‌اند.

«برخی از اهل تحقیق، ادبیات تطبیقی را شاخه‌ای از تاریخ ادبیات و گروهی نیز آن را از شاخه‌های نقد ادبی می‌دانند که کار آن پرداختن به سنجش آثار انواع دوره‌ها، سبک‌ها و انواع ادبی و به طور کلی مقایسه ادبیات در مفهوم کلی آن در دو یا چند فرهنگ و زبان مختلف می‌باشد.» (محسنی نیا، ۱۳۹۳: ۳۵)

ادبیات تطبیقی در واقع، به مکتب‌های هنری محدود نمی‌شود، بلکه به موضوع‌های مشخصی می‌پردازد مانند یکی از قصه‌های معروف که در آن ادبیات، اثر نویسنده‌ای از ادبیات دیگر را مورد بررسی قرار داده و به زبان ادبیات کشور خود می‌نویسد.

کادن، در مورد ادبیات تطبیقی می‌گوید: «آزمودن و تحلیل ارتباط‌ها و همانندی‌های ادبیات اقوام و ملل گوناگون، مطالعه تطبیقی ادبیات، مثل مطالعه تطبیقی مذاهب، کار نسبتاً تازه‌ای است و قبل از قرن نوزده به ندرت سابقه‌ای از آن وجود دارد.» (کادن، ۱۳۸۰: ۹۳).

بنابراین باید گفت «ادبیات تطبیقی شاخه‌ای است از نقد ادبی که از روابط ادبی ملل مختلف با هم و از انعکاس ادبیات ملتی در ادبیات ملت دیگر سخن می‌گوید؛ مثلاً از تأثیر ادبیات ایران در ادبیات عرب و فرانسوی و انگلیسی و روسی و ترکی و هندی و چینی و یا برعکس بحث می‌نماید. به عبارت دیگر «ادبیات تطبیقی تصویر و انعکاس ادبیات و فرهنگ ملتی است در ملت یا ملت‌های دیگر» پس نفوذ ادبی بر دو قسم است: یکی نفوذ شاعران و نویسندگان کشوری در نویسندگان و شاعران همان کشور مانند تأثیر نظامی و فردوسی و سعدی در شاعران معاصر یا بعد از آن‌ها؛ دیگر نفوذ شاعر یا نویسنده یا ادبیات ملتی است در شاعر یا نویسنده یا ادبیات ملت دیگر که آن را ادبیات تطبیقی می‌گوییم. مانند تأثیر فردوسی در ماتیو آرنولد انگلیسی و تأثیر حافظ در گوته.

می‌توانیم چنین استنباط نماییم که عوامل بروز ادبیات تطبیقی عبارتند از:

- تقویت روابط بین جهانیان (وسایل ارتباطی سریع، ملت‌ها را به هم پیوند داده است).

- ترجمه آثار

- گسترش صنعت چاپ و دسترسی راحت و ارزان به کتاب و تبادل آن در بین ملل مختلف.» (نجفی، ۱۳۵۱: ۴۴۶)

رسالت ادبیات تطبیقی، بازنمایی خط سیر پیوندهای ادبی ملت‌های گوناگون و بخشیدن روح تازه به آن‌هاست. گذشته از این، ادبیات تطبیقی، ادبیات هر ملتی را از مرزهای خود فراتر می‌برد و آن را در مقام جزئی از کل بنای میراث ادبی جهان فراروی اندیشه‌های گوناگون قرار می‌دهد. بنابراین، «ادبیات تطبیقی نه تنها مکمل تاریخ ادبیات و پایه‌ای سترگ در نقد ادبی است، بلکه عامل مهمی در پژوهش‌های جامعه‌شناختی و درک صحیح آن به شمار می‌رود و می‌توان جوامع بشری را به سوی ایجاد روح تفاهم و همکاری میان انسان‌ها سوق دهد.» (آذر، ۱۳۸۷: ۳۰)